

## ضمیمه

# اعلامیه جهانی حقوق بشر از منظر اسلام

هاشم هاشم‌زاده هریسی\*

برگرفته از کتاب:

**حقوق بشر در جهان معاصر؛ دغدغه‌ها و دیدگاه‌های حقوق‌دانان و فقهای ایرانی**

همزمان با شصتمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر

شماره ۱۱ از سری انتشارات کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، پاییز ۱۳۸۸

پرتال جامع علوم انسانی

## انگیزه بحث

اگر اعلامیه جهانی حقوق بشر را از دیدگاه اسلام مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم، یا به عبارت بهتر، حقوق بشر از دیدگاه اسلام و حقوق بشر از دیدگاه اعلامیه جهانی حقوق بشر را با یکدیگر تطبیق و مقایسه کنیم و اشتراکات و افتراقات آنها را با نظر مثبت و تفاهم و به طور منصفانه تبیین و مشخص کنیم، بحث بسیار سودمند، علمی و حقوقی خواهد بود که محصول آن حقوق تطبیقی است و نتیجه کاربردی آن ایجاد تفاهم و تعامل و آشتی دادن بین دو دیدگاه حقوقی و نزدیک ساختن آنها به همدیگر و به جریان انداختن آنها در مسیر حمایت از حقوق انسانها و حفظ کرامت، حرمت و حقوق بندگان خدا و تخفیف آلام بشری خواهد بود. بنابراین جا دارد پرسیم که طرح بحث‌های جدلی و ایجاد تعارض و تقابل جدی مابین این دو دیدگاه، نفی و طرد یکدیگر، جنگ و دعوا به راه انداختن چه نتیجه علمی، حقوقی و کاربردی می‌تواند داشته باشد و چه سودی برای بشریت به ارمغان می‌آورد و چه بار سنگینی از دوش انسان‌های مظلوم، محروم، ستم‌دیده و حقوق تضییع‌شده آنها می‌تواند بردارد و چه آلامی را از بندگان دردمند خدا برطرف می‌سازد؟ آیا جز تضعیف ابزار حمایت از حقوق انسان‌ها در جهان، سود دیگری حاصل می‌شود؟! از این جدال، کشمکش و تقابل، آتشی شعله‌ور می‌شود که دود آن فقط به چشم بندگان ضعیف و مظلوم خدا فرو می‌رود. بدین جهت من این بحث را در اینجا مطرح می‌کنم تا اشتراکات و افتراقات این دو دیدگاه را به طور اجمال، بررسی [کنم] و این حقیقت روشن شود که آیا این دو دیدگاه حقوقی در مقابل هم قرار دارند و یکدیگر را نفی می‌کنند و آشتی ناپذیرند یا اینکه در عین تفاوت‌های معدود، در مسیر واحدند که همان حمایت و دفاع از حقوق انسان‌های ضعیف و بندگان ستم‌دیده

خداست و باید هر دو دیدگاه یعنی هم اسلام و هم اعلامیه جهانی حقوق بشر را که هر کدام زبان خاص خود را دارد به رسمیت بشناسیم و احترام قائل شویم و هر دو را در خدمت بشر به کار بگماریم و هر کدام را در جای خود وسیله و سند مبارزه با متجاوزان به حقوق بشر و بندگان ضعیف پروردگار قرار دهیم.

### تعیین و تحدید موضوع بحث

قبل از ورود به اصل بحث، نخست باید به این نکته توجه شود که موضوع سخن ما در این بحث تطبیقی، اصل اعلامیه جهانی حقوق بشر است نه نحوه برداشت و نحوه استفاده از این اعلامیه و نه سازمان‌ها و کمیته‌های حقوق بشر و دولت‌ها و عملکرد آنها؛ زیرا این دو بحث از یکدیگر جداست. منظور ما در این بحث صرفاً اعلامیه جهانی حقوق بشر است که از نظر اسلام در چه وضعیتی قرار دارد و با حقوق بشر از دیدگاه اسلامی چه همسانی‌ها و اشتراکات و چه تفاوت‌ها و افتراقاتی دارد؟ و این افتراقات و تفاوت‌ها در چه حدی است؛ آیا در حد تقابل و تعارض و نفی یکدیگر است یا در حد محدود و قابل تعامل؟

در پاسخ این سؤال بر این باورم که اعلامیه جهانی حقوق بشر، در کل با اسلام و با حقوق بشر در اسلام، نه تنها تفاوت ماهوی و اساسی ندارد و در تقابل و تعارض نمی‌باشد و یکدیگر را نفی نمی‌کنند بلکه هر دو، هدف واحد و مشترکی را دنبال می‌کنند و در جهت حمایت و دفاع از حقوق انسان‌ها طراحی شده‌اند؛ یعنی معاضد یکدیگرند و در کلیات کاملاً یکسان و مشترک‌اند و در فروع نیز در بسیاری از موارد و مسائل، مشترک و در برخی موارد با هم متفاوت‌اند، یعنی هدف واحد است و مشترکاتشان نیز بسیار بیشتر از افتراقاتشان

می‌باشد. به نظر می‌رسد همه تفاوت‌ها را به طور کلی می‌توان در سه مسئله یا سه مرحله خلاصه کرد:

۱. مبنا و منشأ حقوق: که بانیان اعلامیه معمولاً منشأ حقوق بشر را ذاتی و طبیعی می‌دانند و اسلام آن را الهی می‌داند.

۲. انسان‌شناسی: که بانیان اعلامیه در حقوق بشر به جنبه الهی، معنوی و اخروی بشر توجه ندارند و آن را دخالت نمی‌دهند و تنها برای زندگی دنیوی و اجتماعی و حل مشکلات دنیوی او برنامه‌ریزی می‌کنند، ولی اسلام به جنبه الهی، معنوی و اخروی انسان نیز در این امر عنایت دارد. از این جهت، انسان از منظر اسلام از حقوق بسیار زیاد، فراتر و مهم‌تری برخوردار است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیامده است.

۳. برخی از فروع حقوق: یعنی این دو دیدگاه حقوقی در اصول و کلیات مواد مذکور در اعلامیه کاملاً مشترک‌اند ولی در برخی از فروع بعضی از مواد با هم متفاوت‌اند که بعداً توضیح داده خواهد شد.

از این سه مورد تفاوت کلی، مورد اول و دوم موضوع بحث و گفتگوی ما نیست؛ چون آنها در مواد اعلامیه نفیاً و اثباتاً ذکر نشده و اساساً منعکس نگردیده است تا انطباق و عدم انطباق آنها با اسلام مورد بحث قرار گیرد. زیرا اعلامیه یک منشور عملی و کاربردی است و این دو مسئله، بحث نظری و مربوط به فلسفه حقوق است و خارج از مواد اعلامیه می‌باشد. بنابراین، تفاوت اعلامیه با اسلام تنها به مورد سوم یعنی به برخی از فروع حقوق اختصاص پیدا می‌کند که در بحث آتی به حدود و موارد آن می‌پردازیم.

## مشترکات و مفترقات

قبلاً اشاره کردیم که مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر با حقوق بشر از دیدگاه اسلام در اصول و کلیات به طور کلی و در فروع در اکثر موارد همسان و مشترک‌اند و در برخی از فروع و مصادیق تفاوت‌هایی وجود دارد. بر این اساس اگر یکایک مواد اعلامیه بررسی و با متون دینی و اسلامی و با آیات و روایات وارده ارزیابی گردد و مستندات دینی آنها احصا، استخراج و مورد استناد قرار گیرد و موارد اختلاف و تفاوت‌ها نیز به طور کامل مشخص گردیده و با دید علمی و حقوقی به طور منصفانه بررسی شود و یک بحث تطبیقی جامع ارائه گردد، یک یا چند جلد کتاب مستقل و سودمند دینی و حقوقی را تشکیل می‌دهد و این دو دیدگاه حقوقی را کاملاً به هم نزدیک می‌سازد و در میان آنها تفاهم و تعامل کارساز ایجاد می‌کند و در مسیر خدمت به جهان بشریت خواهد بود که البته این یک بحث بسیار اساسی و طولانی است که در این فرصت کوتاه نمی‌گنجد. ما فعلاً با استفاده از این مناسبت و فرصت پیش‌آمده به عنوان طرح مسئله و القای فکر، به طور اجمال به مشترکات کلی و افتراقات جزئی این دو دیدگاه حقوقی می‌پردازیم:

## مشترکات و همسانی‌ها

اعلامیه جهانی حقوق بشر از سی ماده تشکیل یافته است. اگر اهداف اصلی و کلیات مواد آن، تلخیص و دسته‌بندی گردد، در اصول و

عناوین زیر خلاصه می‌شود:

۱. حق کرامت و حرمت و منزلت انسانی؛
۲. حق آزادی، آزادگی و حریت از بردگی و از سلطه و استبداد؛
۳. برادری و برابری افراد بشر با یکدیگر؛
۴. حق حیات و زندگی؛
۵. حق امنیت جامع یعنی امنیت جانی، روحی، حیثیتی، شغلی، اجتماعی و اقتصادی؛
۶. حق مساوات و برابری و نفی تبعیض در برابر قانون و در برخورداری از حمایت‌های قانون؛
۷. حق آزادی مخصوصاً آزادی سیاسی و اصل حاکمیت تراضی و اراده‌ها؛
۸. حق مصونیت از آزار و شکنجه؛
۹. حق دادخواهی عادلانه و محاکمه منصفانه و حق دسترسی به محاکم صالحه؛
۱۰. حق برخورداری از ممنوعیت توقیف، حبس و تبعید خودسرانه؛
۱۱. حق مصونیت شخصی، شخصیتی و حیثیتی از هر نوع تعرض، توهین، تحقیر، ایذا، ظلم و تجاوز و حق برخورداری از حمایت قانون در برابر تعرضات؛
۱۲. اصل برائت و حق برخورداری از آن؛
۱۳. اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات و حق برخورداری از آن؛
۱۴. اصل عدم عطف بماسبق در مجازات و تشدید آن و حق مصونیت از آن؛
۱۵. حق مصونیت حریم خصوصی و خانوادگی از ورود، تجسس و تعرض؛
۱۶. حق انتخاب محل اقامت و حق آزادی تردد در همه کشورهای جهان که ملک خداست؛

۱۷. حق تابعیت و انتخاب کشور و جامعه؛
۱۸. حق مهاجرت و مراجعت؛
۱۹. حق پناهندگی و حمایت‌خواهی در برابر خطرات و تهدیدات غیرقانونی و ظالمانه؛
۲۰. حق انتخاب همسر و تشکیل خانواده و حق برخورداری خانواده‌ها از حمایت دولت و جامعه؛
۲۱. جایگاه منیع خانواده در جامعه و حق برخورداری از حمایت و جامعه و دولت؛
۲۲. حق داشتن کار و شغل مناسب و آزادی در انتخاب و حق برخورداری از حمایت و تأمین اجتماعی در بیکاری؛
۲۳. حق داشتن مسکن و حق آزادی در انتخاب مسکن؛
۲۴. حق مالکیت فردی، جمعی و اجتماعی؛
۲۵. حق بیمه همگانی، حمایت‌ها و تأمین‌های اجتماعی؛
۲۶. حق آزادی عقیده و بیان و ممنوعیت تفتیش عقاید؛
۲۷. حق تشکیل، عضویت و مشارکت در مجامع، جمعیت‌ها و در احزاب، اتحادیه‌ها و تشکل‌های مسالمت‌آمیز؛
۲۸. حق انتخابات آزاد و حق انتخاب‌شدن و انتخاب‌کردن؛
۲۹. حق مشارکت در امور اجتماعی و عمومی کشور؛
۳۰. حق اوقات فراغت، استراحت و تفریحات سالم و حق مرخصی با اخذ حقوق؛
۳۱. حق بهداشت، درمان و سلامت روحی و جسمی؛
۳۲. حق رفاه، معیشت، آسایش و آرامش و حق تأمین زندگی مطابق شئون انسانی؛

۳۳. حق برخورداری مادران و کودکان و همه اقشار آسیب‌پذیر از حمایت‌ها و مراقبت‌های ویژه و مضاعف؛
۳۴. حق تعلیم و تربیت و حق برخورداری از آموزش و پرورش رایگان و همگانی؛
۳۵. حق رشد و تکامل شخصیت انسانی برای هر فردی از افراد جامعه از طریق تعلیم و تربیت مناسب؛
۳۶. فراهم‌سازی زمینه‌ها و دیدگاه‌های دوستی و حسن تفاهم بین ملت‌ها و جمعیت‌های نژادی و مذهبی و تسهیل صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز بین‌المللی با آموزش‌های دوستانه؛
۳۷. حق آزادی در مشارکت‌ها و فعالیت‌های معنوی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی و حق برخورداری از آثار و برکات آنها؛
۳۸. حق برخورداری از فنون، علوم، هنرها، مهارت‌ها و پیشرفت‌های علمی و حق بهره‌برداری از آثار و منافع آنها؛
۳۹. حق ملی که هر ملتی حق دارد از دولت خود نظمی را طلب کند که در رشد شخصیت و پیشرفت‌های علمی مادی و معنوی او کارساز است؛
۴۰. اصل تقابل حقوق و وظایف مخصوصاً میان دولت‌ها و ملت‌ها؛ یعنی هر ملتی در برابر دولتی تکلیف و مسئولیت دارد که حقوقش را تأمین کند؛ اعلامیه بعد از این اصول کلی و مواد، بالاخره در ماده ۲۹ یک اصل بنیادین را مطرح و آن را بر همه اصول و مواد قبلی حاکم می‌سازد و می‌گوید: حقوق و آزادی‌های مذکور در این اعلامیه آنچنان مطلق، یله و بی‌قید و شرط نیست که هر کس هر طور که بخواهد در پوشش این اعلامیه از حقوق و آزادی‌های



مذکور در آن سوء استفاده نموده و مرزهای اخلاق، فضیلت، نظم عمومی و حریم حقوق و آزادی‌های دیگران را درهم بشکنند و آنها را مخدوش سازد، بلکه حقوق و آزادی‌های مذکور در این اعلامیه تابع قانون و مقرراتی است که براساس اقتضائات اخلاق صحیح، نظم عمومی، مصالح اجتماعی، رفاه همگانی و در جهت حفظ حقوق و آزادی‌های عمومی در هر کشوری با فرایند دموکراتیک تصویب شده باشد. بنابراین با وجود ماده ۲۹ اعلامیه بسیاری از شبهات، اشکالات و دغدغه‌ها در مورد حقوق و آزادی‌های ادعایی، غیرمشروع، ولنگاری و خلاف قانون برطرف می‌گردد و در ماده سی‌ام، آخرین ماده اعلامیه، جلوی یکی دیگر از راه‌های سوء استفاده را می‌بندد و می‌گوید: هیچ کس و هیچ مقام، قدرت و دولتی حق ندارد هیچ یک از مواد و مقررات این اعلامیه را به طور مضیق و یا موسع به نفع خود تفسیر کند و از آن در فشار به دیگری و یا تضییع حقوق دیگران سوء استفاده نماید.

این بود خلاصه‌ای از اصول و مواد سی‌گانه اعلامیه جهانی حقوق بشر که کلیات آن بدین صورت تلخیص و ذکر گردید. چنان‌که ملاحظه می‌فرمایید، مخصوصاً با آن قید و شرطی که در دو ماده آخر اعلامیه آمده است، این سند یک سلسله اصول انسانی، قواعد عقلانی و مفاهیم عالیه و ارزشمندی را دربر دارد که به قول شهید مطهری در کتاب **نظام حقوق زن**، جمله‌های طلایی است و کلیت آنها ریشه دینی و الهی دارد و همه آنها در متون دینی و اسلامی با صراحت آمده و بر آنها تأکید شده است و در حقیقت متن قرآن و روایات ماست که به عنوان نمونه در اینجا به مستندات دینی و اسلامی ماده اول اعلامیه به طور اشاره و کوتاه می‌پردازیم.

## مستندات دینی و اسلامی ماده اول

در ماده اول چنین آمده است:

ماده ۱. تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند و همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

در این ماده: حریت، آزادی، آزادگی، جوهره عقل، برادری و برابری انسان‌ها و کرامت ذاتی انسان که در مقدمه اعلامیه آمده است، به عنوان پایه‌ها و مبانی حقوق بشر و اصول اولیه و بنیادین آن ذکر گردیده و بر آنها تأکید شده و حقوق و مقررات مذکور در این اعلامیه بر پایه آنها پی‌ریزی شده است. این اصول و قواعدگو اینکه عیناً از متون دینی و اسلامی گرفته شده است، زیرا هزار و اندی سال پیش از آن در منابع اسلامی چنین آمده است:

۱. امام علی علیه السلام در مورد حریت، آزادی و آزادگی انسان‌ها چنین می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ آدَمَ لَمْ يَلِدْ عَبْدًا وَلَا أَمَةً وَإِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ أَحْرَارٌ** ای مردم، آگاه باشید که انسان‌ها برده به دنیا نیامده‌اند. بنابراین همه انسان‌ها آزادند و از حریت و آزادگی برخوردارند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۶۹)

ملاحظه می‌فرمایید که فراز آغازین اعلامیه در این ماده گو اینکه عیناً از گفتار حکیمانه امام علی علیه السلام اتخاذ و ترجمه شده است که می‌فرماید: تمام افراد بشر آزاد به دنیا آمده‌اند و بر این آزادی، حقوق فراوان بار می‌شود.

۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در اعلامیه فتح مکه، در مورد برابری و مساوات همه انسان‌ها چنین می‌فرماید:

**إِنَّ النَّاسَ مِنْ عَهْدِ آدَمَ إِلَى يَوْمِنَا هَذَا مِثْلُ أَسْنَانِ الْمُشْطِ لَا فَضْلَ لِلْعَرَبِيِّ عَلَى الْعَجَمِيِّ وَ**

لَاللَّاحِمِ عَلَى الْأَسْوَدِ أَلَّا بِالتَّقْوَى: ای مردم، بدانید و آگاه باشید که انسان‌ها از آغاز خلقتشان تاکنون، از عصر آدم ابوالبشر تا امروز، مانند دندان‌های شانه با یکدیگر مساوی هستند و کوچک‌ترین تفاوت و برتری نسبت به یکدیگر ندارند. همه امتیازات و برتری‌های ملی و نژاد لغو است. هیچ ملتی بر ملت دیگر و هیچ نژادی بر نژاد دیگر امتیاز و برتری ندارد مگر با تقوا. عرب و عجم، سیاه، سفید و سرخ و همه انسان‌ها ذاتاً یکسان و برابرند (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۸۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۳۴۸).

۳. رسول خدا ﷺ در اعلامیه حجة الوداع در مورد اخوت و برادری همه انسان‌ها می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبِّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ كُلُّكُمْ لِأَدَمَ وَادَمٌ مِنْ تُرَابٍ:  
 ای مردم، بدانید و آگاه باشید پروردگار همه شما یکی است و همگان از یک پدر و مادر به دنیا آمده‌اید و فرزندان آدمید و آدم نیز از خاک آفریده شده است (همان، ج ۷۳، ص ۳۵۰).

یعنی پدر، مادر، اصل، نسب، ریشه، ماده و آفریدگار همه شما یکی است و همه شما از یک اصل و ریشه هستید و با هم برادر و برابری دارید.

۴. خداوند نیز در اخوت، برادری و برابری انسان‌ها می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا  
 إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ: ای مردم، بدانید که ما همه شما را از یک مرد و زن و از پدر و مادر واحد آفریده‌ایم و شما را قبائل و ملت‌های مختلف قرار دادیم تا از یکدیگر شناخته شوید، نه احساس جدایی و برتری کنید. همه شما با هم برادرید و تفاوتی با یکدیگر

ندارید. فقط گرامی‌ترین شما پرهیزکارترین شماست و خداوند بر همه چیز و بر اعمال و رفتار شما دانا و آگاه است (حجرات: ۱۳).

یعنی همه انسان‌ها برادر، یکسان و برابرند. اختلاف در نژادها و ملیت‌ها فارق بین انسان‌ها و عامل برتری و امتیاز آنها نسبت به یکدیگر نیست.

۵. امام علی علیه السلام در مورد ارزش و فضیلت جوهره عقل انسانی که انسان را یک موجود ممتاز و ارزشمند و دارای حقوق و کرامت ساخته است می‌فرماید: لِلْإِنْسَانِ فَضِيلَتَانِ عَقْلٌ وَ مَنْطِقٌ؛ انسان از دو ملاک ارزش و فضیلت برخوردار است که او را والا و ارزشمند ساخته است: یکی عقل و دیگری منطق، یعنی قدرت فهم و قدرت بیان. باز می‌فرماید: الْعَقْلُ فَضِيلَةُ الْإِنْسَانِ؛ یعنی عقل مایه فضیلت، احترام و ارزش انسان است (درایتی، ۱۴۲۰، ص ۵۰).

۶. قرآن مجید در مورد کرامت ذاتی و خداداد انسان به طور عموم می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً؛ حقاً و قطعاً ما فرزندان آدم را گرامی داشته‌ایم و شایسته حرمت و کرامت قرارش داده‌ایم. مواهب، امتیازات و نعمت‌های فراوان و ارزشمندی به او عنایت نموده‌ایم و بر بسیاری از مخلوقات و آفریده‌های همه جهان خلقت برتری داده‌ایم؛ برتری بزرگ و شایسته (اسراء: ۷۰).

۷. پیامبر اسلام نیز در مورد کرامت عام و مطلق انسان می‌فرماید:

مَا مِنْ شَيْءٍ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ مِنْ بَنِي آدَمَ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ قَالَ وَ لَا الْمَلَائِكَةُ، الْمَلَائِكَةُ مَجْبُورُونَ بِمَنْزِلَةِ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ؛ هیچ پدیده و مخلوقی در پیشگاه پروردگار از انسان، اولاد آدم گرامی‌تر نیست.

سؤال شد: حتی فرشتگان؟ فرمود: آری حتی فرشتگان؛ زیرا فرشتگان موجود بی اختیارند مانند ماه و خورشید؛ ولی انسان موجودی با اراده و دارای اختیار است (متقی هندی، ۱۴۲۴، ج ۱۲، ص ۸۷).

ما در اینجا به عنوان نمونه فقط به مستندات دینی و اسلامی ماده اول اعلامیه که پایه و مبنای حقوق بشر است، بدون شرح و تفصیل اشاره کردیم و آن هم در هر کدام فقط به یک آیه یا روایت اکتفا نمودیم و اگر به همین ترتیب مستندات همه اصول و مواد و همه مستندات آنها تحت عنوان مستندات دینی اعلامیه جهانی حقوق بشر ذکر و جمع آوری شود، یک یا چند جلد کتاب مستقل و قطور را تشکیل می دهد.

## مفترقات و تفاوتها

بحث درباره مشترکات و مفترقات حقوق بشر از دو منظر اعلامیه جهانی و اسلام است. گفتیم که هر دو در اصول و کلیات همسان و مشترک اند به طوری که گویا اعلامیه از متون دینی و اسلام متخذ شده یا با آن کاملاً منطبق است و اما در برخی از فروع و مصادیق، تفاوت هایی مشاهده می شود و مهم ترین تفاوت این دو در این است که حقوق بشر در متون دینی و اسلام، هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی بسیار فراتر از آن است که در اعلامیه آمده است، زیرا اعلامیه بیشتر ناظر به اعمال سلبی است؛ ولی حقوق بشر در اسلام، هم سلبی است و هم ایجابی. اسلام می گوید نه تنها به کسی ظلم نکن بلکه از مظلوم حمایت و دفاع کن (کونوا لِلظَّالِمِ خُصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا)؛ نه تنها کسی را آزار مده، ایذا و شکنجه مکن، بلکه خدمت کن و آسایش و آرامش دیگران را فراهم ساز؛

نه تنها تکبر، تجبر و نسبت به دیگران احساس برتری مکن، بلکه تواضع و فروتنی کن؛ نه تنها کسی را تحقیر و توهین نکن، بلکه تعظیم و احترام کن؛ نه تنها با کسی دشمنی و خصومت مکن، بلکه مهربان باش و انسان‌ها را دوست مدار که بندگان خدایند؛ نه تنها به حقوق کسی تجاوز مکن، بلکه حقوق خودت را بر دیگران ایثار کن؛ نه تنها به دیگران حرف بد مزن، بلکه با دیگران نیکو سخن بگو (قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا)؛ و نه تنها کسی را غمگین و ناراحت مکن، بلکه دلشان را شاد کن که شادکردن دل بندگان خدا و نشانیدن لبخند بر لبانشان، بزرگ‌ترین عبادت است. عبادت به‌جز خدمت خلق نیست!

و امثال این‌گونه حقوق ایجابی که فراوان است و باز اعلامیه حقوق بشر، ناظر به اعمال و رفتار است ولی حقوق بشر در اسلام از اعمال و رفتار فراتر می‌رود و تا دل و درون انسان، و تا به بینش، نیت و انگیزش انسان نسبت به یکدیگر تسری و گسترش پیدا می‌کند و می‌گوید نسبت به یکدیگر در دل و درون خویش خوشبین و خیرخواه باشید. از سوء ظن، بدگمانی و بدخواهی و از کینه، عداوت و حسادت نسبت به دیگران دلتان را پاک سازید که انَّ بَعْضَ الظَّنِّ اِثْمٌ.

به طور کلی اسلام در مورد حقوق بشر می‌گوید هر آنچه برای خود دوست می‌داری برای دیگران دوست مدار و هر آنچه برای خود خوش نمی‌داری برای دیگران نیز خوش مدار. این دستور را «قانون طلایی اسلام» در مسئله حقوق بشر می‌نامند که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَحِبَّ لِعَامَّةِ رَعِيَّتِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَأَهْلِ بَيْتِكَ وَ أَكْرَهُ لَهُمْ مَا تُكْرَهُ لِنَفْسِكَ وَأَهْلِ بَيْتِكَ». و باز اعلامیه حقوق بشر ناظر به انسان زنده است، ولی حقوق بشر در اسلام مردگان را نیز محترم می‌شمارد و صاحب حقوق می‌داند.

از آنچه به طور اشاره و مختصر گفته شد، عمق، وسعت و گستردگی حقوق بشر و جامعیت و برتری آن بر اعلامیه روشن می‌گردد، ولی در عین حال این حقیقت و جامعیت حقوق بشر در اسلام به معنای نفی اعلامیه جهانی حقوق بشر و معارضه با آن نیست و اساساً اختلاف با اعلامیه تلقی نمی‌شود؛ زیرا این سلسله امور و حقوق در اعلامیه نه ذکر شده و نه نفی گردیده است و عدم ذکر آنها در اعلامیه به معنای نفی آنها نیست تا از مصادیق اختلاف تلقی گردد. البته این موضوع و همچنین موضوع اختلاف در مبانی و اختلاف در شناخت شخصیت واقعی انسان که قبلاً به آنها اشاره شد، در مقایسه حقوق بشر اسلامی با حقوق بشر سکولار و غربی قابل طرح و بررسی است، ولی در مورد اعلامیه فقط مواد و قواعد مذکور در متن اعلامیه قابل بررسی و ارزیابی است، نه بیشتر از آن. اعلامیه جهانی، جامع همه قواعد و مفاهیم حقوق بشری نیست، بلکه تنها متضمن قواعد و مقرراتی است که مشکلات موجود و اولیه بشریت را در جهان کنونی حل، و از خطرات، تهدیدات، آلام و ناملایماتی که پیوسته او را تهدید می‌کند مصون بدارد یا تخفیف دهد و از او حمایت کند. بنابراین، فراتر بودن حقوق بشر در اسلام از اعلامیه، هیچ منافاتی با آن ندارد و اختلاف تلقی نمی‌شود. اختلاف‌ها و تفاوت‌ها را باید فقط در مواد و مقررات مذکور در اعلامیه جستجو کنیم که گفتیم در اصول و کلیات اختلافی نیست و در فروع و جزئیات نیز موارد اختلاف بسیار کم و معدود است.

چنان‌که گفته شد، اعلامیه جهانی حقوق بشر دارای ۳۰ ماده است و در این مواد از طرفی یک سلسله اصول، قواعد و مقررات کلی در مورد حقوق بشر مطرح شده است که با اسلام و متون دینی انطباق کامل دارد، چنان‌که قبلاً

توضیح داده شد و از طرف دیگر احکام و فروعیات زیاد حقوقی در فرازهای مختلف مواد ذکر شده است که تعداد آنها به حدود ۱۷۰ فقره بالغ می‌شود و از این ۱۷۰ فقره حکم فرعی، فقط ۲ مورد به طور صریح با برخی از احکام فقهی و حقوقی اسلام متفاوت است و اختلاف صریح و قطعی تلقی می‌شود و حدود ۷ تا حداکثر ۱۰ مورد نیز شبهه و ابهام وجود دارد که اگر به طور موسّع تفسیر شود و شامل برخی از احکام ممنوعه اسلام گردد، اختلاف تلقی می‌شود و اگر مضیق تفسیر شود و به احکام ممنوعه تسری پیدا نکند اختلافی پیش نمی‌آید. اگر همه این موارد صریح و غیرصریح را کلاً مورد اختلاف فرض کنیم، حداکثر به ۱۰ تا ۱۲ مورد بالغ می‌شود و موارد اختلاف اعم از موارد قطعی و احتمالی حداکثر به ۷ درصد می‌رسد یعنی در ۱۷۰ حکم فرعی حقوقی ۱۵۸ مورد اشتراک و همسانی و حداکثر ۱۲ مورد افتراق و اختلاف خواهد بود و اگر کسی بخواهد مواردی را هم بر آن بیفزاید، آن‌چنان زیاد نخواهد بود و به جایی نمی‌رسد و این مقدار تفاوت و اختلاف نیز کاملاً طبیعی است.

در مجموع باید گفت موارد اختلافات اعلامیه با اسلام اولاً با ماده ۲۹ اعلامیه قابل توجیه است که قوانین مصوب اصولی و منطقی کشورها را حاکم بر موارد اختلاف نموده است و ثانیاً این مقدار تفاوت در میان دیدگاه‌ها و مباحث حقوقی یک امر متداول و طبیعی است، چنان‌که در تمام مباحث علمی و نظری و در فقه اسلامی و حتی در فقه شیعه میان فقها اختلاف نظر بیشتر از این مقدار است. بنابراین نباید به اعلامیه جهانی حقوق بشر با سوء ظن و نگاه بدبینانه و تنگ‌نظرانه بنگریم و با آن به مقابله و مبارزه برخیزیم، بلکه باید ضمن توجه به افتراقات و تفاوت‌های موردی، آن را به رسمیت بشناسیم، با سعه صدر



و احترام به آن بنگریم، با تعامل و تفاهم با آن برخورد کنیم و در حمایت و دفاع از حقوق انسان‌های ستمدیده و بی‌دفاع در جهان و در تسکین آلام آنها حداکثر استفاده را بنماییم.

ذیلاً به برخی از موارد اختلافات صریح و احتمالی بین مفاد اعلامیه و اندیشه اسلامی که به طور اجمال میزان کلی آن اشاره شد می‌پردازیم.

### موارد اختلاف صریح

در مباحث پیش گفتیم که موارد اختلاف صریح اعلامیه با احکام فقهی و حقوقی اسلام دو مورد بیشتر نیست:

۱. در ماده ۱۶ آزادی زن و مرد در انتخاب همسر مطرح می‌شود و این آزادی انتخاب، از نظر ملی، نژادی، دینی، مذهبی، فردی، خانوادگی و شرایط مختلف دیگر مصادیق فراوان دارد و همه موارد آن از نظر اسلام مورد تأیید است جز یک مورد که در ازدواج مسلمان، کفو بودن از نظر اسلامیت شرط است، یعنی زن و مرد مسلمان فقط می‌تواند با مسلمان ازدواج کند، گرچه اطلاق این شرط نیز در میان فقهای اسلام مورد اختلاف است.
۲. در ماده ۱۸ آزادی فکری، اعتقادی، دینی و مذهبی و آزادی در تغییر آن مطرح شده است و این آزادی مصادیق فراوان دارد که کلیت و همه مصادیق آن در اسلام مورد تأیید است که می‌فرماید: لا اکراه فی الدین. اساساً ایمان، فکر با درون و باور انسان در ارتباط است؛ اکراه و اجبارپذیر نیست و از نظر اسلام نیز همه مصادیق آن آزاد و اختیاری است جز یک مورد یعنی ارتداد و تغییر دین که بعد از مسلمان شدن و یا مسلمان متولد شدن، تغییر دین که

موجب وهن اسلام و مسلمین است مجاز نمی‌باشد و دارای مجازات است گرچه در این مورد نیز مباحث و گفتگوهای فراوانی در میان فقها و علمای اسلام وجود دارد و قابل بحث و اجتهاد است.

### موارد ابهام و شبهه

در چند مورد خاص از فرازهای فرعی اعلامیه ابهام وجود دارد، گرچه به طور صریح اختلافی با احکام اسلام ندارد ولی در تفسیر موسع احتمال تسری به احکام اسلام راه پیدا می‌کند که اگر به احکام ممنوعه اسلام تسری پیدا نکند، هیچ اشکال شرعی ندارد. به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. در یکی از فرازهای فرعی ماده ۱۶ می‌گوید: زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج دارای حق مساوی می‌باشند. اگر این جمله بدین گونه تفسیر شود که حقوق متقابل زن و مرد از نظر ارزش و مقدار در مجموع با هم مساوی و یکسان باید باشند و یکی از نظر حقوقی بر دیگری برتری نداشته باشد، یعنی آنچه در برابری حقوق لازم است، مساوات و یکسانی مقداری است نه عینیت و مشابهت در تمام موارد. بنابراین تفسیر، این ماده با احکام و حقوق خانوادگی اسلام اصطکاک پیدا نمی‌کند و مورد موافقت و تایید اسلام خواهد بود؛ زیرا در اسلام حقوق زن و مرد در مجموع با هم مساوی است ولی مشابه نیست. یعنی در برخی موارد در عین مساوات، عینیت و مشابهت ندارد و در عین حال مساوی، هم وزن و مثل هم است: **وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ**. ولی اگر مساوات به معنای عینیت در تمام موارد و مشابهت کامل تفسیر شود، در برخی از موارد با احکام و حقوق خانوادگی اسلام متفاوت خواهد بود.

۲. در ماده ۵ می‌گوید: احدی را نمی‌توان تحت شکنجه و یا مجازات برخلاف انسانیت و شئون بشری و یا موهن قرار داد. اگر شکنجه و مجازات برخلاف شئون بشری و موهن طوری تفسیر شود که شامل برخی از مجازات‌های اسلامی گردد و یا برخی از مجازات اسلامی، شکنجه و مجازات خلاف شئون بشری و موهن تلقی شود، در هر دو صورت این ماده از اعلامیه در برخی موارد با احکام و حقوق جزایی اسلام اصطکاک پیدا می‌کند. ولی به نظر ما این ماده شامل مجازات اسلامی نیست؛ زیرا مجازات اسلامی مجازات قانونی است و مجازات قانونی در همه کشورها وجود و ضرورت دارد و یک امر طبیعی است و هر مجازات هم در حد خود تلخی و آلام دارد؛ ولی در صورتی که قانونی باشد و با فرایند دموکراتیک قانونی تصویب شود، در این صورت اولاً: شکنجه، خلاف شئون بشری و موهن تلقی نمی‌شود؛ زیرا شکنجه به نظر ما به معنای آزار شدید بی‌رویه، خودسرانه، ظالمانه و غیرقانونی است؛ و ثانیاً چنین قوانینی طبق ماده ۲۹ اعلامیه که توضیح داده شد حاکم بر مواد اعلامیه است.

۳. در ماده ۲، تمایز و تفاوت همه افراد را نسبت به یکدیگر به طور مطلق حتی از حیث مذهب نفی می‌کند و تمایز، مصادیق فراوان دارد. تمایز از نظر نژادی، ملی، ثروت، مکتب، مقام و قدرت و امتیازات فراوان دیگر که از نظر اسلام هیچ کدام آنها عامل امتیاز، برتری و تمایز در میان افراد بشر و عامل حقوق بیشتر برای کسی نیست. اسلام در کلیت نفی تمایز در تمام این موارد با این ماده اعلامیه موافقت کامل دارد و آن را تأیید می‌کند. جز تمایز از حیث مذهب؛ زیرا به نظر اسلام، ایمان و اعتقاد به خدا و به آئین حنیف الهی برای

انسان امتیاز ایجاد می‌کند و یک فرد مؤمن با یک فردی که خدا را نمی‌شناسد و از آئین الهی یعنی از حق پیروی نمی‌کند یکسان و مساوی نیست و تمایز دارد. ولی به نظر ما هیچ اختلافی بین اسلام و اعلامیه در این مورد وجود ندارد؛ زیرا منظور از نفی تمایز به طور مطلق و حتی تمایز مذهبی در این ماده، تمایز در حقوق ذاتی است که به انسانیت انسان فارغ از هر خصوصیت دیگر بار می‌شود و حقوق فراملی و فرامذهبی است، نه در حقوق اکتسابی مانند ایمان، علم، تقوی و امثال آن که به طور طبیعی موجب امتیاز و عامل حقوق اکتسابی و مضاعف می‌باشند و سبب تمایز می‌شوند. بنابراین، تمایز مذهبی و حرمت بیشتر افراد مؤمن بر دیگران از نظر اسلام در حقوق اکتسابی است، نه در حقوق ذاتی؛ همان‌طور که عالم بر جاهل به طور طبیعی در حقوق اکتسابی امتیاز و برتری دارد و این تمایزات اکتسابی، خود از حقوق بشر است و این اصل ثانوی، یعنی تمایز در حقوق اکتسابی با آن اصل اولی، یعنی عدم تمایز در حقوق ذاتی هیچ منافاتی با هم ندارند؛ چنان‌که قرآن مجید می‌فرماید: *انَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقٰیكُمْ*: راستی گرامی‌ترین شما در پیشگاه پروردگار با تقواترین شماست. این آیه شریفه با صفت تفضیلی آمده است؛ یعنی همه افراد بشر به‌طور یکسان از کرامت ذاتی انسانی برخوردارند و تمایز در کرامت ذاتی ندارند که یکی واجد و دیگری فاقد آن باشد، ولی آدم با تقوا از حرمت و کرامت مضاعف برخوردار است؛ زیرا علاوه بر کرامت ذاتی که با همه افراد بشر مشترک است، از کرامت اکتسابی نیز برخوردار می‌باشد. بنابراین تفسیر، این ماده اعلامیه هیچ منافات و مخالفتی با احکام اسلام و حقوق اسلامی ندارد.

۴. در ماده ۱۸ حق آزادی عقیده و بیان مطرح می‌شود. اگر اطلاق آزادی بیان کاملاً مطلق و بی قید و شرط تلقی شود و شامل آزادی در توهین، افتراء، تهمت به دیگران، نشر دروغ و اکاذیب و توهین به دین و مقدسات گردد، از نظر اسلام مردود می‌باشد؛ زیرا این‌گونه آزادی‌ها در اسلام ممنوع و غیرمجاز است. ولی منظور از آزادی بیان در این ماده آن‌چنان مطلق و بی قید و شرط نیست و شامل این‌گونه موارد نمی‌شود؛ زیرا در ماده ۲۹ جلو سوء استفاده از این نوع آزادی‌ها را بسته و حقوق و آزادی‌های مذکور در اعلامیه را تابع اخلاق، نظم عمومی، رفاه همگانی و محدودیت‌های قانونی نموده است. بنابراین آزادی بیان مذکور در این ماده مقید است و هیچ منافاتی با اسلام ندارد.

۵. در ماده ۲۶ اعلامیه حق آموزش، تعلیم و تربیت و پرورش همگانی را مطرح و احکام بسیار زیاد و ارزشمندی را مقرر می‌دارد که همه آنها مورد تأیید و بلکه مورد تأکید اسلام است و با اسلام توافق کامل دارد، تا می‌رسد به این فراز که می‌گوید: «آموزش و پرورش باید حسن تفاهم، گذشت، احترام به عقاید مخالف، دوستی بین تمام ملل را آموزش دهد و فعالیت‌های صلح بین‌المللی را تسهیل کند».

همه مفاهیم مذکور در این فراز مانند دیگر مقررات مذکور در این ماده بسیار بلند و زیبا و از نظر اسلام متحسن و مورد تأیید و تأکید است، ولی ممکن است گفته شود که یک مشکل ضمنی در این فراز به نظر می‌رسد و آن اینکه آموزش دادن این مفاهیم برای بچه‌ها و جوانان در آموزش و پرورش و آنها را با روحیات خوشبینی جهانی و حسن تفاهم و تعامل بین‌المللی و با انسان‌دوستی عمومی و صلح‌جویی و با گذشت و احترام به عقاید دیگران تربیت نمودن،

ایجاب می‌کند که از طرح مسائل جهاد و دفاع و تبری در آموزش و پرورش که از فروض الهی و ضروریات دین است خودداری شود و از این جهت در این یک مورد با آموزه‌ها و احکام اسلام و با حقوق اسلامی اصطکاک پیدا می‌کند. ولی به نظر ما این ماده هیچ مشکل شرعی و دینی ندارد؛ زیرا در اسلام، اصل اولیه بر دوستی، احترام، تفاهم، تعامل، صلح و زندگی مسالمت‌آمیز در جهان است و اسلام نیز در فضای صلح، دوستی و تفاهم می‌تواند در جهان پیشرفت و توسعه پیدا کند و صادر شود: *أَصْلُحْ خَيْرٌ*. ولی اگر روزی خدای نکرده این مفاهیم و این اصول و آموزه‌ها کارساز نشد و به عللی به جنگ و خصومت منتهی شد، مسئله جهاد، دفاع و مقاومت در برابر دشمن یک امر مشروع، مقدس، ضروری و طبیعی خواهد بود و حق همگانی است. بدین جهت در اسلام نیز در چنین موارد خاص به‌ناچار و به عنوان اصل ثانوی، جنگ، جهاد و مقاومت تشریح و تجویز شده است که امام علی علیه السلام می‌فرماید: *اِخْرُ الدَّوَاءَ اَلْكَیُّ*. بنابراین باید آموزش‌های عمومی طوری طراحی شود که در مرحله اول به عنوان اصل اولی، تفاهم، تعامل، تحمل، بردباری، سازگاری، انسان، دوستی، صلح بین‌المللی و مفاهیم انسان‌دوستانه را به طور عموم و در سطح داخلی و بین‌المللی آموزش دهد و دانش‌آموزان و دانشجویان را با این روحیات پرورش دهد و در عین حال در کنار آموزش این مفاهیم عالییه، آن روی سکه نیز یادآوری شود که در صورت ناچاری به عنوان اصل ثانوی، جنگ، جهاد، دفاع و مقاومت در برابر دشمن نیز یک امر مقدس و ضروری است و از این طریق روح شجاعت و مقاومت در آنها ایجاد گردد. در این صورت نه از نظر اعلامیه مشکل پیش می‌آید و نه از نظر اسلام و این یک آموزش منطقی، اصولی، جامع و انسانی است. ولی اگر تنها جنگ، ستیز،

خصوصیت، نفرت به کالبد دانش آموز و دانشجو دمیده شود و فرد تعلیم‌پذیر با روحیه نفرت، بدبینی، ستیزه‌جویی، ناسازگاری و جنگ‌طلبی تربیت گردد، رنگ و صبغه اصل ثانوی از اصل اولی پررنگ‌تر شود و یا فقط دوستی و صلح‌طلبی یک‌جانبه القا و تعلیم گردیده و فرد تعلیم‌پذیر با روحیه سازش، تسلیم و ظلم‌پذیری تربیت شود، هر دو از نظر اسلام مردود است. بنابر این روش آموزشی جامع و اصولی، اسلام و اعلامیه نه تنها هیچ تعارض و تقابلی با هم ندارند، بلکه مؤید یکدیگرند؛ زیرا از نظر مقررات بین‌المللی و حقوق بشری، همان‌طور که صلح، دوستی و تعامل یک اصل است، دفاع مشروع نیز یک اصل مسلم است و حق همگانی است و مورد حمایت و دفاع است.

## نتیجه

بنابر آنچه به‌اجمال گفته شد، موارد اختلاف آموزه‌ها و احکام حقوقی اسلام با اعلامیه حقوق بشر به حداقل می‌رسد و اکثر موارد شبهه اختلاف قابل رفع و قابل جمع و تعامل است و اگر موضوعات خاصی هم باقی بماند، در بسیاری از موارد با اجتهاد پویا قابل حل است؛ اجتهادی که در اسلام و فقه اسلامی باب آن بسیار گشوده و قلمرو آن بسیار وسیع است که تا مرز ضروریات دین و نص صریح و قطعی و مصالح نظام و جامعه گسترش دارد و در قانون اساسی در اصل دوم بدان تأکید شده و جمهوری اسلامی بر روی چنین اجتهاد مستمر و اندیشه‌ای پویا پی‌ریزی شده است و اگر برخی از موارد از طریق اجتهاد هم حل نگردید، ماده ۲۹ اعلامیه در حل اختلاف و رفع شبهات بسیار کارساز است که می‌گوید: هر قانون اصولی که در یک فرایند دموکراتیک قانونی تصویب شده

است، حاکم بر همه مواد اعلامیه حقوق و آزادی‌های مذکور در آن می‌باشد و اگر با همه این احوال موارد اختلاف و تفاوتی باقی بماند، بسیار کم و حداقلی است و این میزان نیز در تمام مباحث حقوقی و حتی فقهی در میان حقوقدانان و فقیهان به طور طبیعی وجود دارد و قابل تعامل و تفاهم است.

### خلاصه مباحث

۱. موضوع بحث و مقایسه در این توضیح فشرده، فقط اعلامیه جهانی حقوق بشر بود، نه عملکردها و نه حقوق بشر از دیدگاه سکولاریزم و غرب و نه کمیته‌ها و سازمان‌های مختلف حقوق بشری و عملکرد آنها و نه میثاق‌ها و کنوانسیون‌های حقوق بشری، بلکه فقط ارتباط اسلام با اعلامیه جهانی حقوق بشر و موارد اشتراک و افتراق آنها مورد بحث، تطبیق و مقایسه می‌باشد.
۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر سی ماده است و چهل اصل و قاعده کلی از آنها انتزاع می‌شود که فهرست‌وار ذکر گردید و در تمام این اصول و قواعد حقوقی با اسلام اشتراک نظر دارد و مورد تأیید، تأکید و موافقت اسلام است.
۳. در اعلامیه کلاً ۱۷۰ مورد احکام فرعی مقرر شده است و موارد اختلاف آن با اسلام فقط در برخی از فروع و فرازهای فرعی است که کلاً ۲ مورد اختلاف صریح وجود دارد و حداکثر ۷ مورد نیز به علت ابهام در تعبیرات، احتمال و شبهه اختلاف مطرح است، یعنی در اصول و کلیات کلاً مشترک و همسان، و در فروع نیز ۹۴ درصد اشتراک نظر و فقط ۶ درصد متفاوت است.
۴. بسیاری از موارد اختلاف نیز که از کلیت و ابهام در عبارات ناشی می‌شود، قابل توجیه، حل و جمع است که برخی از موارد به عنوان نمونه مورد بررسی



قرار گرفت و شبهه اختلاف و تفاوت برطرف گردید.

۵. حقوق بشر از منظر اسلام کمأ و کیفأ بسیار گسترده، جامع و فراتر از اعلامیه جهانی حقوق بشر است، ولی این گستردگی و جامعیت به عنوان اختلاف با اعلامیه تلقی نمی‌شود؛ زیرا اعلامیه هیچ‌کدام از آنها را نفی نمی‌کند، فقط از ذکر آنها ساکت است، زیرا اعلامیه براساس یک هدف خاص و به‌طور خلاصه تنظیم شده است که مشکلات اولیه بشر را در جهان کنونی حل کند.

۶. اعلامیه در ماده ۲۹، حقوق و آزادی‌های مذکور در اعلامیه را با حفظ و رعایت اصول اخلاقی، نظم عمومی، رفاه همگانی و قوانینی که در هر کشوری با اصول و منطق حقوقی و فرایند دموکراتیک قانونی تصویب می‌شود محدود ساخته و چنین اصول و قوانین را بر مواد اعلامیه حاکم می‌سازد. از این طریق بسیاری از مشکلات را حل و بسیاری از شبهات و دغدغه‌ها را برطرف می‌سازد.

۷. اجتهاد پویا نیز که در اسلام و فقه اسلامی جایگاه بس رفیع و قلمرو بس وسیعی دارد، در بسیاری از موارد حلال مشکلات و معضلات و عامل تفاهم و تعامل بین‌المللی و حقوق بشری می‌تواند باشد.

۸. اکثر مواد و مقررات اعلامیه جهانی حقوق بشر از مستندات دینی و اسلامی فراوان برخوردار است که به عنوان نمونه به برخی از مستندات دینی ماده اول که ماده مبناست اشاره گردید و مواد دیگر نیز بر همین منوال می‌باشد.

## منابع و مأخذ

۱. درایتی، مصطفی، درایتی، حسین؛ **تصنيف غررالحکم و دررالکلم**، چاپ دوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۰ هـ.ق. (۱۳۷۸ هـ.ش).
۲. کلینی، محمد بن یعقوب؛ **کافی**، جلد ۸، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۳. متقی هندی، علی؛ **کنز العمال**؛ جلد ۱۲، چاپ دوم، بیروت - لبنان: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ هـ.ق.
۴. مجلسی، محمدباقر؛ **بحار الانوار**، بی چا، جلد ۲۲ و ۷۳، بیروت - لبنان: موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۵. نوری، میرزا حسین (محدث نوری)؛ **مستدرک الوسائل**، چاپ اول، قم: موسسه آل البيت لاحیاء تراث، جلد ۱۲، ۱۴۰۸ هـ.ق.